

فرصت‌های ژئوپلیتیک جهان اسلام در سازمان کشورهای صادرکننده گاز

سید هادی زرقانی^۱

علی اکبر دیبیری^۲

چکیده

در سال ۲۰۰۸، «سازمان کشورهای صادرکننده گاز» که به اوپک گازی معروف شد با عضویت ۱۱ کشور و با تعیین شهر دوحه به عنوان مقر خود رسماً آغاز به کار کرد. اگر چه این سازمان دارای ماهیتی اقتصادی و تجاری است، اما بسیاری از صاحب‌نظران شکل‌گیری اوپک گازی را مقدمه‌ای برای تحول در ساختار ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک جهان می‌دانند. از همین روست که اروپا و آمریکا که از بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان گاز طبیعی محسوب می‌شوند، شکل‌گیری این سازمان را از منظر خود تهدیدی بر امنیت انرژی و دست‌یابی آسان به گاز طبیعی می‌دانند و به شدت با آن مخالف هستند. در این میان، نکته حائز اهمیت این است که اکثریت اعضای این سازمان را کشورهای اسلامی تشکیل می‌دهند، به طوری که کشورهای ایران، قطر، اندونزی، برونی، الجزایر، لیبی، مصر، نیجریه و قزاقستان (ناظر) ۹ عضو از ۱۳ عضو (۱۱ عضو اصلی و ۲ عضو ناظر) را به خود اختصاص داده‌اند. ضمن این که با پیوستن کشورهای ترکمنستان، مالزی، ازبکستان، موریتانی، مالی سهم کشورهای اسلامی در این سازمان بیش‌تر و پررنگ‌تر خواهد شد. اهمیت روزافزون گاز به عنوان یک منبع انرژی پاک، وابستگی اقتصادی غرب و به‌خصوص اروپا به گاز صادراتی این سازمان، تأثیرپذیری صنایع نظامی و دفاعی غرب از تحولات بازار گاز، تغییر نقشه ژئوپلیتیک و ژئواکونومیکی جهان و کم‌رنگ شدن نقش آمریکا و غرب در اقتصاد جهانی، افزایش قدرت مانور و چانه‌زنی اعضای سازمان به‌خصوص روسیه و ایران در برابر غرب و آمریکا، ایجاد زمینه برای هم‌گرایی بیش‌تر کشورهای عضو سازمان و ... از جمله فرصت‌های مناسبی است که به اعتقاد کارشناسان باعث افزایش وزن ژئوپلیتیک کشورهای عضو به‌خصوص کشورهای اسلامی در برابر غرب و آمریکا خواهد شد. در این مقاله تلاش شده تا ضمن بررسی پتانسیل کشورهای اسلامی در اوپک گازی، زمینه‌های موجود برای بهره‌گیری از این سازمان در ارتقاء جایگاه جهان اسلام در نظام ژئوپلیتیک جهانی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

کلید واژه‌ها: اوپک گازی، ژئوپلیتیک انرژی، جهان اسلام، جمهوری اسلامی ایران، غرب.

^۱ دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول) h-zarghani@um.ac.ir

^۲ دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس تهران

مقدمه

ایده تأسیس سازمان کشورهای صادرکننده گاز (OGEC) در دهه‌های قبل بارها مورد بحث و بررسی قرار گرفته بود. این موضوع با توجه به افزایش اهمیت تجارت بین‌المللی گاز طبیعی و به‌ویژه افزایش قیمت نفت و همچنین اهمیت روزافزون اوپک در سال‌های اخیر توجه‌ها را به خود معطوف کرد (تکین، ۱۳۸۶، ص ۸۹). سرانجام مجمع کشورهای صادرکننده گاز که در سال ۲۰۰۱ در تهران تشکیل شده بود، با تصویب اساسنامه و انتخاب دوحه قطر به‌عنوان مقر خود در اواخر سال ۲۰۰۸ میلادی به سازمان کشورهای صادرکننده گاز تبدیل شد و اوپک گازی موجودیت یافت. شکل‌گیری این سازمان واکنش‌ها و اظهارنظرهای متفاوتی را به همراه داشت. اعضای اصلی این سازمان از جمله روسیه و ایران تشکیل اوپک گازی را گامی مؤثر در زمینه قیمت‌گذاری و عرضه مناسب و امن گاز طبیعی دانستند، درحالی‌که مصرف‌کنندگان اصلی گاز از جمله آمریکا و اروپا شکل‌گیری این سازمان را تهدیدی بزرگ برای امنیت انرژی و دسترسی آسان به این حامل انرژی‌زا دانسته و نسبت به استفاده سیاسی از این سازمان توسط اعضاء هشدار دادند. البته این احساس تهدید و خطر، تا حد زیادی ناشی از کارنامه فعالیت‌های روسیه در استفاده ابزاری از گاز در انتقال به بازارهای مصرف اروپا بوده و قابل توجه می‌نماید.

نکته قابل توجه در مورد این سازمان، حضور برجسته و مؤثر کشورهای اسلامی در آن است، به‌طوری‌که از ۱۳ عضو فعلی سازمان کشورهای صادرکننده گاز تعداد ۹ عضو آن را کشورهای اسلامی تشکیل می‌دهند که عبارتند از: ایران، قطر، امارات، نیجریه، الجزایر، مصر، لیبی، اندونزی و قزاقستان. وجود این تعداد از کشورهای اسلامی که دارنده حدود نیمی از ذخایر گازی جهان هستند از یک‌سو و پراکندگی جغرافیایی آن‌ها از آسیای جنوب شرقی (اندونزی، مالزی) تا خاورمیانه (ایران - قطر - امارات) و شمال و غرب آفریقا (مصر - الجزایر - لیبی و نیجریه) از سوی دیگر، فرصت مناسبی را برای نقش‌آفرینی جهان اسلام در عرصه ژئوپلیتیک انرژی فراهم کرده است. در این مقاله تلاش شده است تا با روشی تحلیلی-توصیفی، این صحنه رقابت جدید، یعنی «ژئوپلیتیک گاز» به تصویر کشیده شود و نقش و اهمیت بازیگران این صحنه رقابت مورد بررسی قرار گیرد. هدف اصلی مقاله مشخص کردن نقش و جایگاه کشورهای اسلامی در این رقابت ژئوپلیتیک است. فرضیه مقاله این است که با توجه به اهمیت روزافزون گاز در مصارف خانگی، صنعتی، نظامی و نیاز شدید و روبه‌تزايد کشورهای بزرگ و صنعتی همچون آمریکا، اروپا، چین و ژاپن به این حامل مهم انرژی، گاز همانند نفت به عنصری تعیین‌کننده در رقابت‌های ژئواکونومیک قدرت‌ها و کشورها تبدیل خواهد شد. بی‌تردید استفاده صحیح کشورهای اسلامی از این فرصت کم‌نظیر در افزایش وزن ژئوپلیتیک کشورهای اسلامی و ارتقاء جایگاه جهان اسلام در نظام ژئوپلیتیک جهانی

نقش به‌سزایی خواهد داشت. البته اوپک گازی در راه رسیدن به یک سازمان منسجم و هماهنگ با موانع و چالش‌های بزرگی روبه‌رو است که حل‌وفصل این موانع و مشکلات اراده و همکاری مشترکی را طلب می‌کند.

۱- بیان موضوع

اساساً در ارتباط با ژئوپلیتیک گاز و به عبارت دقیق‌تر، نقش منابع انرژی گاز در رقابت‌های ژئوپلیتیک کشورها، با سه گروه از کشورها مواجه هستیم. گروه اول کشورهای دارنده و صادرکننده منابع گاز، گروه دوم کشورهای نیازمند و واردکننده گاز و سرانجام گروه سوم کشورهایی که در مسیر منابع تولید و بازارهای مصرف قرار می‌گیرند. مجموعه تلاش‌ها، کنش‌ها، واکنش‌ها، اقدامات و رفتارهای این سه گروه از کشورها در رقابت با یکدیگر و در راستای رسیدن به منافع بیشتر، ژئوپلیتیک گاز را در جهان شکل می‌دهد. آنچه بر اهمیت و پیچیدگی این صحنه رقابت افزوده است، حضور کشورهای قدرتمندی چون روسیه، ایران در جرگه تولیدکنندگان اصلی و حضور قدرت‌هایی چون آمریکا، اروپا، چین و ژاپن در گروه مقابل است. در راستای این رقابت ژئوپلیتیکی، کشورهای دارنده منابع عظیم گازی از جمله ایران و روسیه با همکاری برخی دیگر از کشورها، در یک اقدام مهم، سازمان کشورهای صادرکننده گاز (اوپک گازی) را تأسیس کردند و همچنان که انتظار می‌رفت، این موضوع بلافاصله واکنش‌هایی را از سوی جناح مقابل یعنی آمریکا و اروپا به همراه داشت. چنان‌که آمریکا و اروپا شکل‌گیری این سازمان را تهدیدی بزرگ برای امنیت انرژی و دسترسی آسان به این حامل انرژی‌زا دانسته و نگرانی خود را از استفاده سیاسی از این سازمان توسط کشورهای عضو اعلام کردند. در ادامه مطلب وضعیت و جایگاه گاز طبیعی در میان حامل‌های مهم انرژی بررسی خواهد شد و سپس نقش و اهمیت اوپک گازی و همچنین فرصت‌های ژئوپلیتیک که این سازمان در اختیار کشورهای اسلامی قرار می‌دهد مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

۲- مفاهیم و مبانی نظری تحقیق

۲-۱- ژئوپلیتیک

در مورد ماهیت و مفهوم ژئوپلیتیک تعاریف متعددی صورت پذیرفته است. هارتشورن معتقد است، ژئوپلیتیک عبارت است از کاربرد دانش و تکنیک‌های جغرافیای سیاسی در مسائل بین‌المللی (Dwiedzi, 1990, p.51). فرهنگ لغت آکسفورد ژئوپلیتیک را چنین تعریف می‌کند: «ژئوپلیتیک عبارت است از مطالعه چگونگی تأثیرپذیری سیاست‌ها از عوامل جغرافیایی» (Cowie, 1989, p.515). فرهنگ لغت ویستر نیز ژئوپلیتیک را تأثیر عوامل جغرافیایی، اقتصادی و جمعیتی بر سیاست‌ها به‌ویژه سیاست خارجی

می‌داند (Gove, 1986, p.950). در این پژوهش ژئوپلیتیک به معنی و مفهوم ارزیابی تأثیرات عوامل، عناصر و ارزش‌های جغرافیایی در روابط میان قدرت‌ها در نظر گرفته شده است.

۲-۲- ژئوپلیتیک انرژی

انرژی در زندگی بشر اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. صنعت، کشاورزی، خدمات، گرمایش و سرمایش، تولید غذا، حمل‌ونقل، نظامی‌گری، فعالیت‌های پزشکی و درمانی، پژوهش‌های علمی و غیره به انرژی وابسته‌اند. از این رو، منابع تأمین انرژی، مسیرهای انتقال انرژی، بازارهای مصرف، تجارت انرژی، فن‌آوری انرژی و نظایر آن اعتبار ویژه‌ای پیدا می‌کنند، در واقع رقابتی که برای دسترسی و تأمین انرژی برای نیازمندان آن و در مقابل فروش مناسب و امنیت مسیرهای انتقال انرژی برای تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان به وجود می‌آید، شکل دهنده بعد دیگری از ژئوپلیتیک به نام ژئوپلیتیک انرژی است. به عبارت دقیق‌تر، با توجه به ارتباط تنگاتنگ انرژی با زندگی روزمره مردم و جوامع و همچنین حیات کشورها و دولت‌ها، امروزه انرژی نقش تعیین‌کننده‌ای در سیاست‌های ملی و بین‌المللی پیدا نموده است و الگوهای رقابت، همکاری، کشمکش، تجاوز، تعامل، هم‌گرایی و واگرایی را در عرصه بین‌الملل و در روابط بین کشورها و دولت‌ها به وجود آورده است، که از آن به عنوان ژئوپلیتیک انرژی یاد می‌شود. در قالب ژئوپلیتیک انرژی، دولت‌های مصرف‌کننده، مکان‌های تولید انرژی و دولت‌های تولیدکننده، مکان‌های مصرف انرژی و هر دو دسته کشورها، مسیرهای انتقال و تکنولوژی‌های مربوط به انرژی را جزو اهداف ملی و امنیت ملی خود محسوب می‌کنند. از این رو می‌توان گفت، ژئوپلیتیک انرژی به مطالعه نقش و اثر انرژی و جنبه‌ها و ابعاد مختلف آن بر سیاست و قدرت و مناسبات گوناگون ملت‌ها و دولت‌ها می‌پردازد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵، ص ۱۰۳-۱۰۲).

۲-۳- ژئوپلیتیک گاز

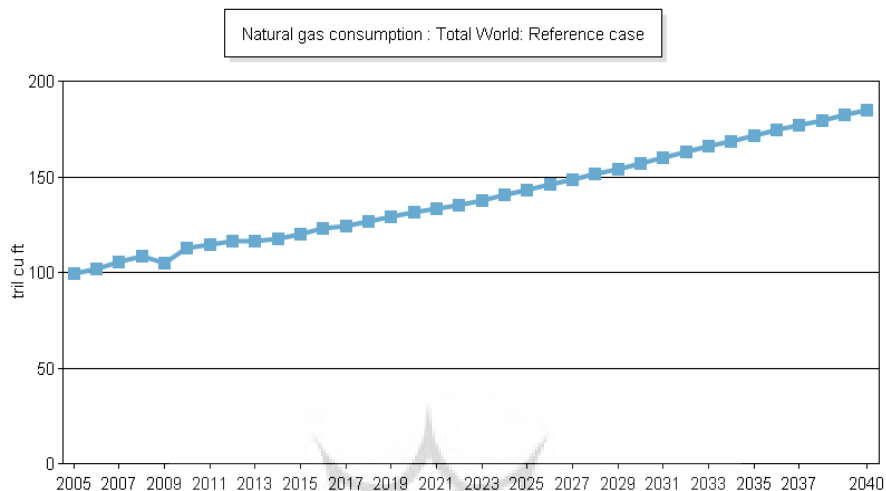
گاز طبیعی یکی از حامل‌های اصلی انرژی است که روند استفاده و مصرف آن در زمان کنونی و به‌خصوص در چشم‌انداز آینده سیر صعودی را نشان می‌دهد. با توجه به برآوردهای سازمان‌ها و مراجع بین‌المللی مختلف از جمله IEA^۳، IEO^۴ و WEO^۵، در چند دهه آتی میزان مصرف گاز طبیعی در سبد انرژی جهان رشد چشم‌گیری خواهد داشت و گاز طبیعی در استراتژی انرژی کشورها جایگاه منحصر به

^۳ International Energy Agency

^۴ International Energy Outlook

^۵ World Energy Outlook

فردی را به خود اختصاص می‌دهد (بهشتی، ۱۳۸۵، ص ۱۶). از این‌رو، گاز طبیعی هم مانند نفت، دربردارنده این قابلیت است که شکل خاصی از رقابت قدرت را بین قدرت‌ها و کشورهای تولیدکننده از یک‌سو و کشورهای واردکننده از سوی دیگر ایجاد کند، که از آن تحت عنوان ژئوپلیتیک گاز نام برده می‌شود (زرقانی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۵).



Source: <http://www.eia.gov>

نمودار ۱: پیش‌بینی میزان رشد مصرف گاز طبیعی تا سال ۲۰۴۰

اپک گازی نام سازمان جدیدی است که به منظور هماهنگی تولید و کنترل قیمت‌ها در بازار جهانی در شرایط افت شدید قیمت نفت توسط ایران، روسیه و قطر در دسامبر ۲۰۰۸ تشکیل شد. طرح تأسیس اوپک گازی در ۱۰ بهمن سال ۱۳۸۵ از سوی رهبر انقلاب در دیدار با ایگور ایوانف دبیر شورای امنیت وقت روسیه مطرح شد. آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به وجود نزدیک به نیمی از ذخایر گاز جهان در روسیه و ایران پیشنهاد کرد: این دو کشور با کمک یک‌دیگر می‌توانند یک سازمان مربوط به همکاری‌های گازی را همچون اوپک پایه‌گذاری کنند که بعدها در سفر مقام‌های روسی به قطر یکی دیگر از کشورهای دارنده ذخایر عظیم گازی این پیشنهاد به آن کشور نیز ارائه و مورد موافقت مقام‌های دوحه قرار گرفت.

پرتال جامع علوم انسانی

۲-۴- فرصت ژئوپلیتیک

فرصت ژئوپلیتیک^۱ عبارتست از بهره‌گیری از عوامل ثابت و متغیر ژئوپلیتیک به منظور افزایش قدرت ملی و ارتقای موقعیت کشور در نظام بین‌الملل (ارزش‌ها و عوامل جغرافیایی و ژئوپلیتیک دارای طیف گسترده‌ای از عوامل انسانی، طبیعی، فضائی، مکانی و غیره هستند).

۳- چهارچوب نظری تحقیق

افزایش وابستگی کشورهای جهان به یک‌دیگر از یک‌سو و رقابت کشورهای مختلف جهان در قالب اتحادیه‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای، ضرورت ایجاد و شکل‌گیری اتحادیه‌ها و نظام‌های منطقه‌ای را با محورهای اقتصادی، سیاسی، امنیتی، اجتماعی و فرهنگی روزبه‌روز بیش‌تر می‌نماید. بر همین اساس است که کشورهای جهان به‌خصوص کشورهایی با پیوستگی‌های جغرافیایی با توجه به منافع و دیدگاه‌های مشترک اقتصادی، سیاسی، نظامی و ... اقدام به تشکیل سازمان‌های منطقه‌ای می‌نمایند. برای شکل‌گیری یک سامانه منطقه‌ای در یک منطقه مشخص، متغیرهای مختلفی مورد نیاز و تأثیرگذار است. در همین چهارچوب هتن از صاحب‌نظران این حوزه معتقد است، متغیرهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و به‌ویژه امنیتی در تحقق یک سامانه منطقه‌ای مؤثر است. بر همین اساس وی به سامانه‌های منطقه‌ای استوار بر پایه‌های گوناگونی اشاره می‌کند (مستقیمی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۸)؛ که عبارتند از سامانه منطقه‌ای مبتنی بر جغرافیا، در این حالت، وجود یک عامل جغرافیایی پدیدآورنده منافع مشترک و متضاد برای گروهی از کشورها است که می‌تواند زمینه‌ساز پیدایش سامانه منطقه‌ای باشد. به عنوان نمونه دریای مدیترانه برای کشورهای کرانه‌ای آن، اعم از اروپایی، آسیایی و آفریقایی، یک سامانه مدیترانه‌ای را شکل داده است و خلیج فارس همین نقش را برای کشورهای ساحلی آن بازی می‌کند. علاوه بر این نفت عاملی شده است برای شکل‌گیری سازمان کشورهای صادرکننده نفت (بزرگمهری، ۱۳۸۳، ص ۱۴۸-۱۴۷). نوع دیگر سامانه منطقه‌ای مبتنی بر پایه‌های اجتماعی است؛ که در آن به هم‌خوانی فرهنگی-اجتماعی گروه‌های انسانی ساکن یک حوزه جغرافیایی پهناور اشاره دارد (مستقیمی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۹). در واقع در چنین سامانه‌هایی، متغیرهای گوناگونی مانند قوم، نژاد، پیوندهای تاریخی، زبانی و مذهبی می‌تواند در شکل-

^۱ Geopolitical Opportunity

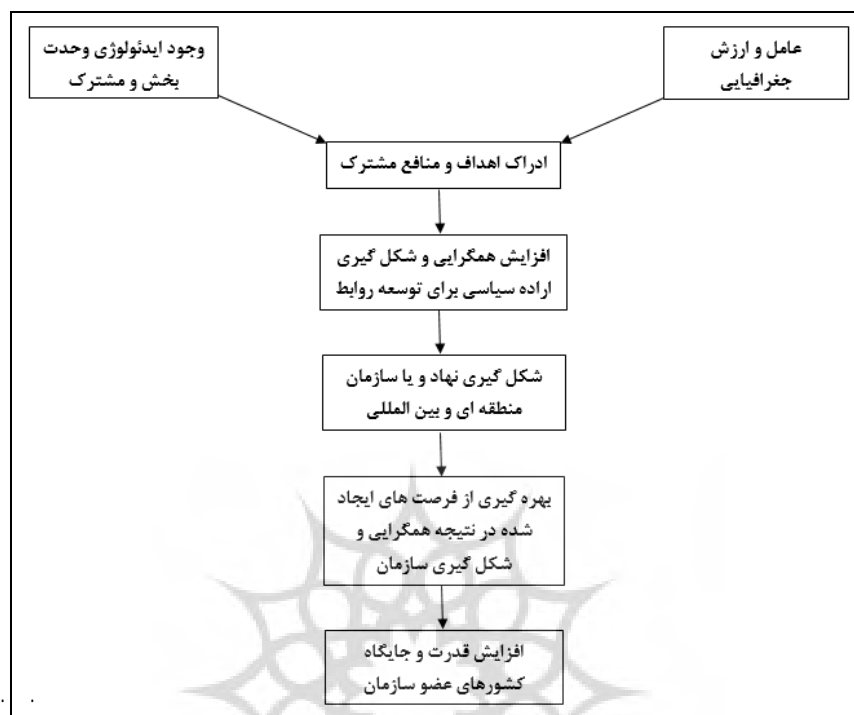
گیری سامانه منطقه‌ای نقش‌آفرین باشد. برای نمونه گسترش زبان عربی، شالوده اتحادیه کشورهای عربی می‌شود یا پیوستاری تاریخی- فرهنگی در اروپای غربی زمینه‌ساز تحقق و تعمیق هم‌گرایی در چهارچوب اتحادیه اروپا می‌گردد (بزرگمهری، ۱۳۸۳، ص ۱۴۸). در نهایت به عقیده هتن، سایر سامانه‌های منطقه‌ای می‌تواند مبتنی بر تعاون، همبستگی و همکاری میان دولتی در حوزه‌های گوناگون فرهنگی، سیاسی و اقتصادی باشد. علاوه بر این موارد، قدرت‌های فرامنطقه‌ای نیز می‌توانند در تعاملات سامانه منطقه‌ای مؤثر باشند. بدین ترتیب، در برخی مناطق، قدرت‌های خارجی به‌ویژه ابرقدرت‌ها که منافع‌شان به حوزه جغرافیایی و مرزهای ملی‌شان محدود نمی‌شود، بر پایه ملاحظات امنیتی و اقتصادی خود در پیدایش، تخریب، تقویت یا تضعیف سامانه‌های منطقه‌ای مؤثرند.

لازم به ذکر است در کل و در میان عوامل متعددی که در شکل‌گیری و تقویت یک سازمان منطقه‌ای و بین‌المللی تأثیرگذارند؛ عامل مشترک جغرافیایی و همین‌طور وجود یک ایدئولوژی وحدت‌بخش که می‌تواند ماهیت مذهبی و دینی نیز داشته باشد از اهمیت قابل توجهی برخوردارند. علاوه بر این ممکن است در یک سازمان منطقه‌ای که بر اساس یک عامل جغرافیایی شکل گرفته است کشورهای که دارای نزدیکی ایدئولوژی و مذهبی هستند از این سازمان برای تقویت و پیش‌برد هر چه بیش‌تر منافع مشترک استفاده کنند. به نظر می‌رسد، شکل‌گیری سازمان کشورهای صادرکننده گاز نیز دارای ماهیتی اقتصادی است هر چند کارکرد ژئوپلیتیکی آن نیز برجسته است. بدین معنی که در این سازمان تعدادی از کشورهای دارنده ذخایر غنی گاز، بر اساس یک عامل و ارزش جغرافیایی به نام گاز روابطی از نوع همکاری و هم‌گرایی را در پیش گرفته‌اند که این همکاری می‌تواند در روابط این قدرت‌ها با قدرت‌های دیگر (واردکنندگان گاز) تأثیرگذار باشد و نوعی رقابت ژئوپلیتیک ایجاد کند.

۳-۱- چشم‌انداز میزان ذخایر و وضعیت مصرف گاز طبیعی در سبد انرژی جهان

گاز طبیعی یکی از حامل‌های اصلی انرژی است که روند استفاده و مصرف آن سیر صعودی را نشان می‌دهد. از دلایل اصلی توجه به گاز طبیعی در سبد انرژی کشورها می‌توان به مواردی چون، آلودگی زیست محیطی کم گاز، قیمت پایین‌تر آن نسبت به نفت، وجود ذخایر عظیم گازی برای تأمین نیاز مصرف‌کنندگان در دهه‌های آتی و کاهش محسوس ذخایر نفتی اشاره کرد. برآوردهای سازمان‌ها و مراجع بین‌المللی مختلف نشان می‌دهد میزان مصرف گاز طبیعی در چند دهه آتی در سبد انرژی جهان

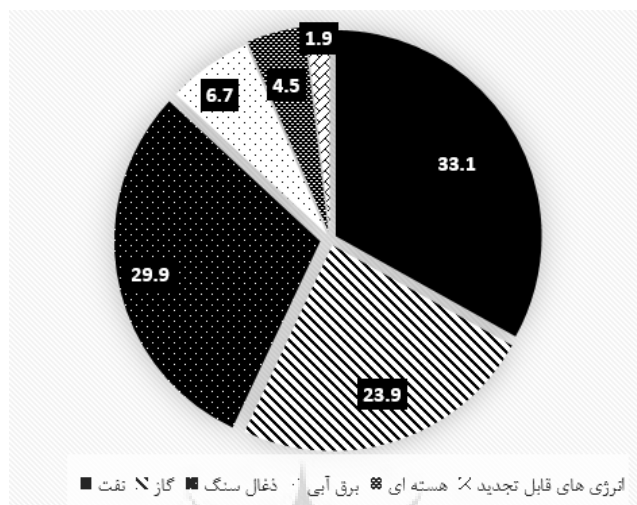
رشد چشم‌گیری خواهد داشت و گاز طبیعی در استراتژی انرژی کشورها جایگاه منحصر به فردی را به خود اختصاص می‌دهد (بهشتی، ۱۳۸۵، ص ۱۶).



مدل (۱): جایگاه عامل جغرافیایی و ایدئولوژی مشترک در شکل‌گیری و تقویت یک سازمان بین‌المللی

نمودار ۲ وضعیت مصرف حامل‌های مختلف انرژی جهان را در سال ۲۰۱۳ نشان می‌دهد. همچنان که در نمودار مشخص است، گاز طبیعی از نظر مصرف پس از نفت و ذغال سنگ، با حدود ۲۴ درصد رتبه سوم را به خود اختصاص داده است. به نظر می‌رسد اگر با رویکردی تطبیقی نمودار فوق را تحلیل کنیم، متوجه اهمیت روزافزون ذخایر جهانی گاز نسبت به سایر منابع تأمین انرژی می‌شویم. دلیل این ادعا آن است که منابع دیگر انرژی یعنی نفت، ذغال سنگ، انرژی هسته‌ای و نیروی برق آبی هر کدام محدودیت‌های خاص خود را دارند و از این رو نسبت به گاز با اقبال کمتری از سوی کشورهای جهان روبه‌رو هستند. بخشی از این محدودیت‌ها عبارت است از: روند رو به کاهش ذخایر نفت در بسیاری از مناطق جهان، قیمت بسیار بالای نفت نسبت به گاز، آلاینده‌گی بسیار شدید ذغال سنگ به خصوص در وضعیت وخیم زیست محیطی

کنونی جهان، انحصاری بودن کاربرد انرژی هسته‌ای به دلیل نیاز به فن‌آوری پیشرفته و سرمایه‌گذاری زیاد و سرانجام محدودیت‌های جغرافیایی بسیاری از کشورها در استفاده از منابع آب برای تولید انرژی.



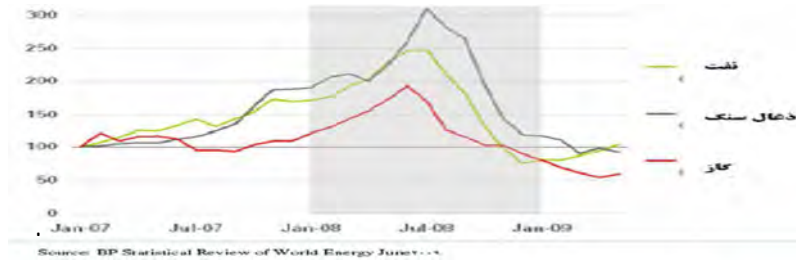
Source: Statistical Review of World Energy June 2013

نمودار ۲: سهم هر یک از حامل‌های انرژی در سبد مصرفی انرژی جهان

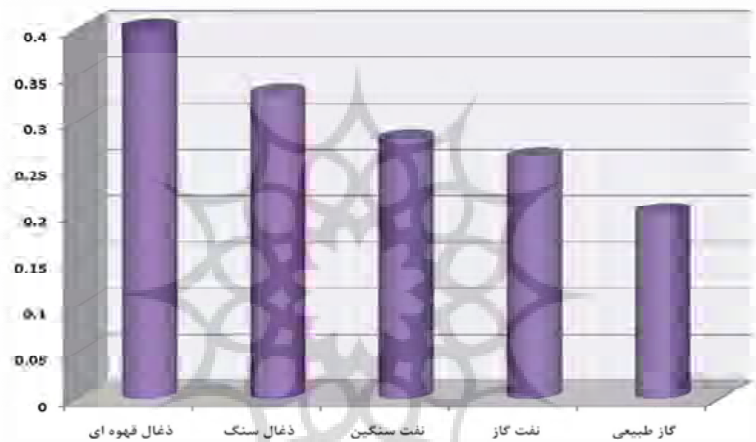
به عبارت دقیق‌تر، مزیت اصلی گاز نسبت به سایر حامل‌های انرژی آلودگی زیست محیطی کم‌تر و به‌خصوص قیمت کم‌تر آن است. اکثر کشورهای مصرف‌کننده عمده انرژی نسبت به قیمت حامل‌های انرژی حساسیت زیادی دارند؛ چراکه این قیمت‌ها روی هزینه‌های تولیدشان و نیز رفاه خانوارها اثر مستقیم می‌گذارد (مزرعتی، ۱۳۸۶، ص ۷۷). نمودار زیر مقایسه قیمت حامل‌های انرژی را در سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹ نشان می‌دهد. در این دو سال، در بین سه حامل انرژی یعنی گاز طبیعی، نفت و ذغال سنگ، گاز دارای قیمت پایین‌تر و روند کاهش قیمت بیش‌تری بوده است.

از سوی دیگر، آلودگی زیست محیطی کم‌تر ذغال نسبت به سایر حامل‌های انرژی یکی دیگر از مزیت‌های نسبی آن است. در آغاز هزاره سوم، تهدیدات ناشی از آلودگی‌های زیست محیطی هم‌پای تهدیدات اتمی قلمداد می‌گردد و گاز طبیعی در مقایسه با دیگر سوخت‌های فسیلی آلودگی بسیار کم‌تری

برخوردار است (ر.ک.: نمودار ۳). از این رو گرایش جهانی به سمت گاز طبیعی به عنوان یک سوخت پاک افزایش یافته است. نمودار زیر به مقایسه میزان آلودگی حامل‌های مختلف انرژی می‌پردازد.



نمودار ۳: روند قیمت‌های حامل‌های انرژی طی سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹



نمودار ۴: میزان آلودگی حامل‌های مختلف انرژی (Kg co2/kwh)

نتیجه بحث این که بر اساس برآوردهای آژانس بین‌المللی انرژی، تقاضای گاز طبیعی جهان تا سال ۲۰۳۰ به طور متوسط سالانه ۲/۳ درصد رشد خواهد داشت. طی ۳۰ سال آینده، بازارهای جهانی انرژی به ۷/۳ تریلیون متر مکعب ظرفیت جدید برای تولید گاز طبیعی نیاز خواهند داشت که به طور متوسط باید در این ۳ دهه تولید گاز طبیعی جهان سالانه ۲۶۰ میلیارد متر مکعب افزایش یابد (رام، ۱۳۸۶، ص ۸۹-۸۸). طی

بررسی‌های متعددی که توسط مراکز و مؤسسات مطالعات بین‌المللی انرژی صورت گرفته است، آغاز شکوفایی صنعت گاز بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ میلادی خواهد بود که با توجه به کاهش ذخایر شناخته شده نفت خام در جهان و اتمام ذخایر گازی برخی از کشورها از جمله کانادا و آمریکا تغییر و تحولاتی جدید در عرضه و تقاضای این ماده حیاتی پدید خواهد آمد (رام، ۱۳۸۶، ص ۹۰).

۲-۳- واردکنندگان و مصرف‌کنندگان عمده گاز طبیعی

مصرف‌کنندگان اصلی گاز به ترتیب شامل آمریکای شمالی، اروپا، ژاپن، چین و هند هستند که بیش‌تر میزان گاز طبیعی را به مصرف می‌رسانند و در دهه‌های آینده این میزان رشد بیش‌تری نیز خواهد داشت.

۳-۲-۱ ایالات متحده آمریکا

ایالات متحده بالاترین مصرف جهانی گاز را دارد. این کشور با وجود آن‌که در سال ۲۰۱۲ با پشت سر گذاشتن روسیه به رده اولین تولیدکننده گاز جهان رسید، اما در روند صادرات جهانی گاز هیچ نقشی ندارد. به گونه‌ای که با مصرف ۷۲۲/۱ میلیارد متر مکعب (تولید: ۶۸۱/۴ میلیارد متر مکعب) با بالانس منفی تولید و مصرف مواجه بوده است (British Petroleum, 2013, pp. 21-22). مصرف گاز طبیعی آمریکا از دهه هفتاد از تولید آن پیشی گرفت. در حال حاضر نیز همین روند ادامه دارد یعنی آمریکا بخشی از گاز مورد نیاز خود را وارد می‌کند (رام، ۱۳۸۶، ص ۹۰). بنابراین این کشور به دلیل مصرف بسیار بالا و ذخایر محدود احتمالاً در آینده نزدیک یکی از واردکنندگان عمده گاز طبیعی خواهد بود.

۳-۲-۲ اروپا

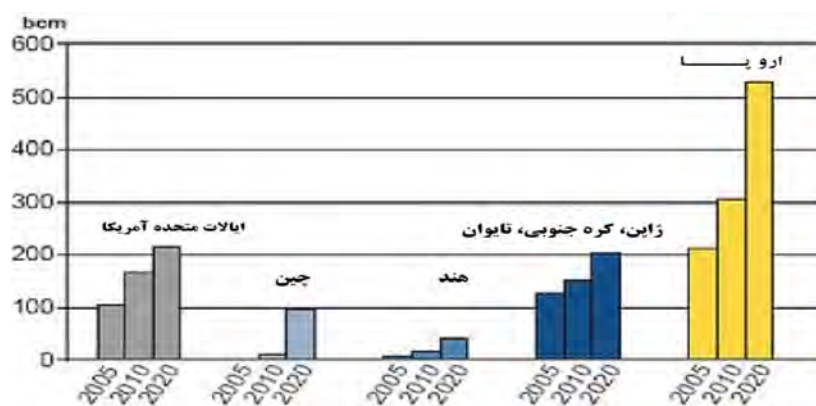
تقاضای گاز طبیعی در اروپا به دلیل جایگزینی زغال و نفت با گاز طبیعی و گازی شدن روزافزون صنایع اروپا به سرعت در حال افزایش است. پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد در دوره بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۵، واردات گاز اروپا تا ۱۴۰ درصد افزایش خواهد یافت. ذخائر گازی اروپا محدود است و امروزه اروپا بزرگ‌ترین بازار وارداتی گاز محسوب می‌شود. در سال ۲۰۳۰ مصرف گاز اروپا کلاً حدود ۵۰۰ میلیارد متر مکعب خواهد بود (دهقی، ۱۳۸۶، ص ۲۱۱-۱۹۳). بنابراین مشاهده می‌شود که به دلیل ذخایر اندک گازی در اروپا این قاره بزرگ‌ترین واردکننده گاز دنیا محسوب می‌شود. در میان کشورهای اروپایی انگلستان و آلمان بیش از سایر کشورها دارای مصرف گاز طبیعی هستند. بریتانیا بزرگ‌ترین مصرف‌کننده گاز در اروپا به شمار رفته و در مرتبه پنجم بزرگ‌ترین کشورهای مصرف‌کننده گاز طبیعی جهان قرار دارد (یادگاری، ۱۳۸۴، ص ۴۷).

۳-۲-۳- چین، ژاپن و هند

چین نیز از جمله مصرف‌کنندگان بزرگ گاز طبیعی محسوب می‌شود و روند مصرف گاز این کشور افزایش سریعی را نشان می‌دهد، به‌طوری‌که پیش‌بینی‌های انجام شده در دوره ۲۰۳۰-۲۰۰۲ افزایش مصرف چین را تا ۵ برابر در نظر گرفته‌اند (طاهرزاده، ۱۳۸۴، ص ۱۹۳). مصرف گاز چین در سال ۲۰۱۲ به رقم ۱۴۳/۸ میلیارد متر مکعب رسیده است (British Petroleum, 2013, p. 22). جمعیت زیاد و رشد اقتصادی بالا از عوامل عمده این افزایش مصرف چین محسوب می‌شود. ژاپن نیز جزء ۶ کشور بزرگ مصرف‌کننده گاز طبیعی در دنیا است. ژاپن به دلیل موقعیت جزیره‌ای خود سعی دارد که نیاز خود به گاز طبیعی را از طریق LNG^۷ برطرف سازد هم‌اکنون ژاپن با واردات ۷۶/۳۲ میلیارد متر مکعب حدود ۴۰ درصد از تقاضای جهانی LNG را به خود اختصاص داده است (رام، ۱۳۸۶، ص ۹۲). اگر چه ذخایر گازی هند حدود ۱۴ تریلیون فوت مکعب برآورد شده است، اما به دلیل جمعیت بالا و نیاز فزاینده به انرژی برای توسعه اقتصادی امروزه از جمله واردکنندگان گاز محسوب شده و در آینده نیز یکی از کشورهای عمده در زمینه مصرف و واردات گاز طبیعی خواهد بود. وابستگی هند به واردات گاز طبیعی در دوره ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۰ از ۵۳ درصد به ۹۱ درصد رسید. پیش‌بینی می‌شود تقاضای گاز هند در سال ۲۰۳۰ به حدود ۳/۹ تریلیون فوت مکعب برسد (زارعی، ۱۳۸۵، ص ۷۹).

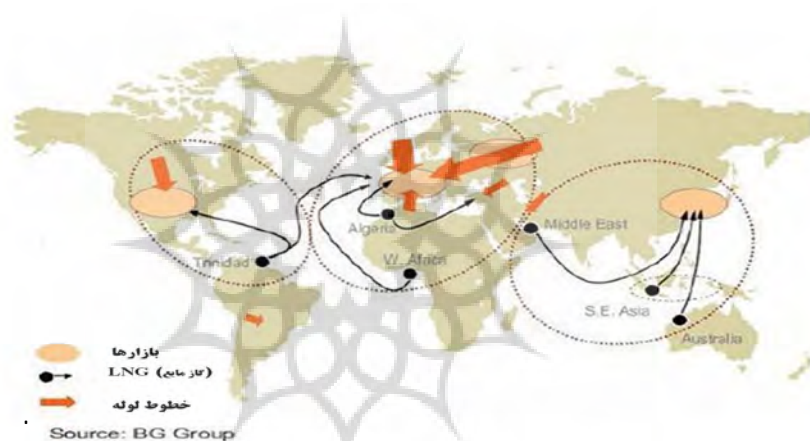
نمودار ۴، بزرگ‌ترین واردکنندگان گاز را در سه مقطع ۲۰۰۵، ۲۰۱۰ و ۲۰۲۰ نشان می‌دهد. ایالات متحده آمریکا، اروپا (به‌ویژه انگلستان، آلمان، ایتالیا و فرانسه)، به همراه چین، هند و ژاپن مهم‌ترین واردکنندگان گاز در سال‌های آینده به شمار می‌روند. همچنان‌که در نمودار مشخص است، در بین کشورها و مناطق مزبور، روند افزایش واردات گاز برای اروپا و چین بسیار سریع‌تر خواهد بود. همچنین نقشه زیر مهم‌ترین بازارهای مصرف گاز را در سطح جهان نشان می‌دهد که عبارتند از آمریکای شمالی، اروپا، ژاپن، چین، کره جنوبی.

⁷ Liquefied Natural Gas



Source: British Petroleum Statistical Review of World Energy June 2012

نمودار ۵: واردکنندگان عمده گاز جهان در سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۰



نقشه ۱: بازارهای اصلی مصرف گاز طبیعی در جهان

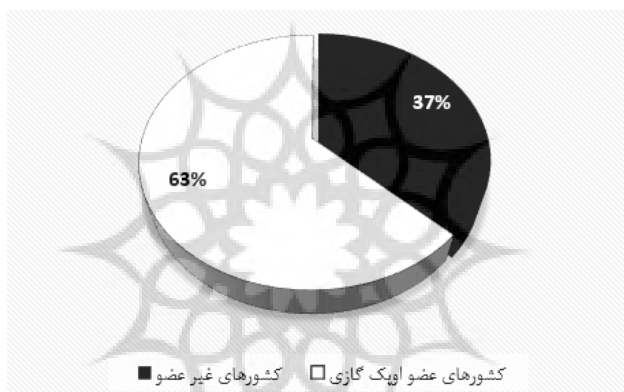
۳-۳- تولیدکنندگان و صادرکنندگان عمده گاز (اوپک گازی)

به نظر می‌رسد مهم‌ترین بازیگران عرصه ژئوپلیتیک گاز کشورهای دارنده منابع گاز و صادرکننده آن هستند. تولیدکنندگان و صادرکنندگان عمده گاز طبیعی بیش از دارندگان این ماده دارای قدرت مانور و تأثیرگذاری در بازار و هم‌چنین تسلط بر کشورها و مناطق نیازمند به گاز هستند و با در دست داشتن بازار

جهانی گاز می‌توانند از این ابزار برای رسیدن به اهداف سیاسی - اقتصادی خود استفاده کنند. در پایان سال ۲۰۱۲ حجم کل ذخایر گازی دنیا در حدود ۶۶۱۴/۱ تریلیون فوت مکعب بوده است که کشورهایی نظیر ایران، روسیه، قطر، ترکمنستان، عربستان، ایالات متحده آمریکا، امارات، نیجریه، ونزوئلا، الجزایر، اندونزی، نروژ و... جزء کشورهای اصلی دارنده این حامل انرژی ارزشمند هستند (British Petroleum, 2013, p.20). با توجه به این که موضوع این مقاله اوپک گازی و جایگاه و نقش کشورهای اسلامی در این سازمان است، در ادامه فقط به بررسی اهمیت این سازمان با تأکید بر عمل کرد و جایگاه کشورهای اسلامی عضو آن پرداخته خواهد شد.

۳-۱- سازمان کشورهای صادرکننده گاز (اوپک گازی)

سازمان کشورهای صادرکننده گاز (OGEC)، با تصویب اساسنامه و انتخاب دوحه قطر به عنوان مقر خود در اواخر سال ۲۰۰۸ میلادی رسماً موجودیت یافت. الجزایر، بولیوی، مصر، اندونزی، ایران، لیبی، برونئی، نیجریه، قطر، روسیه، و ونزوئلا ۱۱ عضو این مجمع هستند؛ ضمن این که قزاقستان و نروژ نیز از اعضای ناظر مجمع کشورهای صادرکننده گاز محسوب می‌شوند.



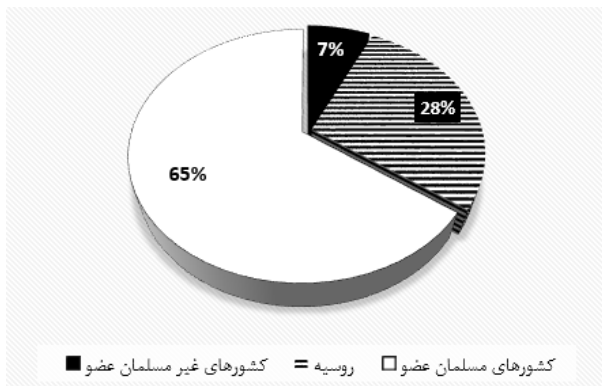
Source: Statistical Review of World Energy June 2013

نمودار ۶: مقایسه ذخایر گاز اعضاء اوپک با سایر کشورها جهان

نمودار فوق به مقایسه میزان ذخایر گاز اعضاء اوپک و بقیه کشورهای جهان می‌پردازد. چنان که در نمودار مشخص است، مجموعه کشورهای عضو اوپک گازی در مجموع ۶۳ درصد ذخایر گازی جهان را در اختیار دارند. این سهم عظیم، به خوبی نقش بسیار مهم این سازمان نوپا را در معادلات جهانی قدرت نشان می‌دهد. در ادامه به بررسی نقش و جایگاه کشورهای مسلمان در ژئوپلیتیک گاز پرداخته خواهد شد.

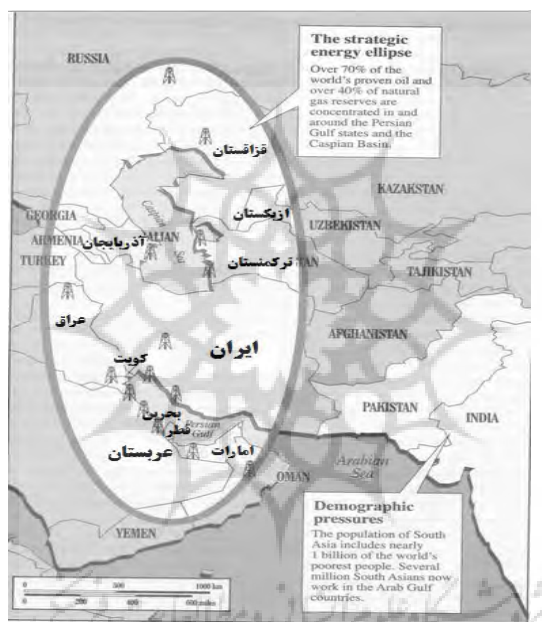
۳-۳-۳- نقش و جایگاه کشورهای اسلامی در اوپک گازی و ژئوپلیتیک انرژی

همچنان‌که در نمودار ۶ نشان داده شد، اعضای اوپک گازی دارنده ۶۳ درصد ذخایر گازی جهان هستند، که این امر نشان‌دهنده نقش و اهمیت بسیار زیاد این سازمان در ژئوپلیتیک انرژی در آینده نزدیک است. حال این سؤال مطرح می‌شود که کشورهای اسلامی عضو این سازمان در چه جایگاهی قرار دارند و آیا خواهند توانست در این عرصه قدرت جدید نقش‌آفرین باشند. نمودار زیر، به مقایسه سهم ذخایر گازی کشورهای عضو اوپک گازی می‌پردازد. بر این اساس اگر مجموع ذخایر گازی کشورهای عضو اوپک گازی را ۱۰۰ درصد در نظر بگیریم، سهم کشورهای عضو سازمان در قالب سه کشور روسیه، کشورهای مسلمان عضو و کشورهای غیر مسلمان عضو به شرح زیر است. روسیه به تنهایی ۲۸ درصد از مجموع ذخایر اوپک گازی را به خود اختصاص داده است. کشورهای غیر مسلمان عضو اوپک گازی هم سهم ۷ درصدی را به خود اختصاص داده‌اند. ۹ کشور اسلامی عضو اوپک گازی با سهم ۶۵ درصدی خود بیش از ۲/۳ برابر سهم روسیه، اهمیت و نقش برجسته خود را در این سازمان به نمایش گذاشته‌اند. به‌طور قطع، سهم هر کشور عضو، تأثیر به‌سزایی در جایگاه و نقش‌آفرینی آن کشور در سازمان دارد. سهم ۶۵ درصدی کشورهای اسلامی، به‌روشنی نقش و جایگاه کشورهای اسلامی را در این سازمان نوپدید نشان می‌دهد. با توجه به افزایش سهم گاز طبیعی در سبد انرژی جهان و افزایش مصرف، همچنین قیمت مناسب و سایر مزیت‌های گاز طبیعی، در آینده نزدیک گاز طبیعی به یکی از منابع اصلی رقابت قدرت‌ها و کشورها تبدیل خواهد شد. بر این اساس، به نظر می‌رسد کشورهای اسلامی عضو این سازمان به دلیل در اختیار داشتن این منابع به عنوان یکی از بازیگران اصلی ژئوپلیتیک انرژی و مخصوصاً گاز در خواهند آمد. نقشه ۲ وضعیت بسیار مناسب کشورهای اسلامی دارنده گاز طبیعی را در بیضی استراتژیک گاز جهان نشان می‌دهد. البته در مباحث ژئوپلیتیک، داشتن یک توانمندی و منبع قدرت به خودی خود، قدرت‌آفرین محسوب نمی‌شود، شرط اصلی ارائه استراتژی‌های بدیع و هوشمندانه در استفاده از این زمینه برای کسب و اعمال قدرت است. این امر لزوم توجه بیشتر به این منبع بالقوه قدرت‌آفرین را در استراتژی‌های کلان کشور های اسلامی ضروری می‌سازد. در ادامه مطلب، مهمترین زمینه‌ها و قابلیت‌هایی که اوپک گازی برای کشورهای اسلامی عضو به همراه دارد، به صورت خلاصه مورد بررسی قرار می‌گیرد.



Source: Statistical Review of World Energy June 2013

نمودار ۷: مقایسه سهم درصدی ذخایر گازی کشورهای عضو اوپک گازی



Source: <http://energeopolitics.com>

نقشه ۲: بیضی استراتژیک گازی جهان و موقعیت کشورهای مسلمان

۳-۴- فرصت‌های ژئوپلیتیکی کشورهای اسلامی در اوپک‌گازی

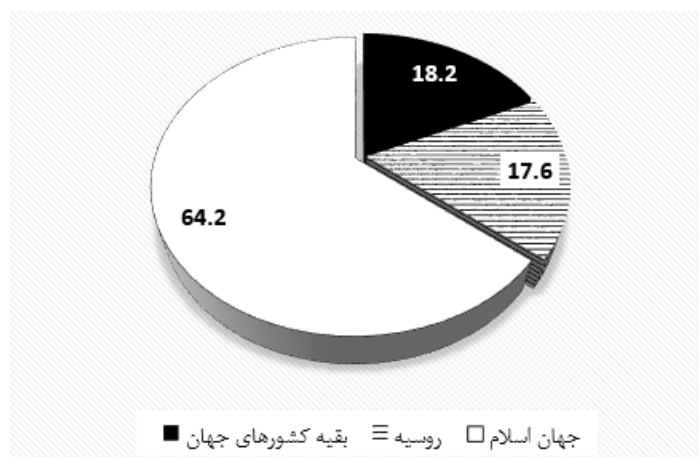
۳-۴-۱- افزایش درآمد ارزی و توسعه اقتصادی کشورهای اسلامی با قیمت‌گذاری مناسب

تشکیل اوپک‌گازی می‌تواند کشورهای فعال در این عرصه را با هم هماهنگ کند و از زیان ناشی از ناهماهنگی بین این کشورها که در نهایت به زیان منافع ملی آن‌ها خواهد بود جلوگیری کند. کارشناسان پیش‌بینی می‌کنند بعد از تشکیل سازمان اوپک‌گازی، قیمت هر هزار متر مکعب گاز طبیعی مایع از ۲۶۵ دلار به ۳۵۰ تا ۴۰۰ دلار افزایش یابد. اعضای مسلمان اوپک‌گازی و به‌خصوص دارندگان ذخایر عظیم گاز این سازمان مانند ایران (که با دارا بودن ۱۸ درصد از ذخایر گازی جهان بزرگ‌ترین دارنده ذخایر گازی جهان است) می‌توانند با قیمت‌گذاری مناسب و افزایش صادرات گاز از طریق اوپک‌گازی اقتصاد خود را رونق بخشند و در راه رشد اقتصادی گام بردارند.

۳-۴-۲- ذخایر عظیم گازی کشورهای مسلمان منبع عظیم ثروت و یک ابزار ژئوپلیتیک

افزایش میزان مصرف گاز طبیعی در سبب انرژی جهان و اهمیت روزافزون گاز طبیعی به عنوان یک حامل مهم انرژی از یک‌سو و افزایش میزان ذخایر گازی کشورهای اسلامی در مقابل کاهش و تحلیل ذخایر گازی سایر مناطق جهان از سوی دیگر، به کشورهای اسلامی این ظرفیت را داده است تا با استفاده صحیح از این منبع ثروت، با پشتوانه محکمی اهداف سیاسی و ژئوپلیتیک خود را تعقیب کنند. از حدود ۵۷ کشور اسلامی عضو سازمان کنفرانس اسلامی، ۲۳ کشور دارای ذخایر گازی قابل استحصال هستند. از کل ذخایر گازی اثبات شده در جهان، چیزی در حدود ۶۴/۲ درصد در اختیار کشورهای اسلامی است. پیوستن بقیه کشورهای اسلامی دارای ذخایر غنی گاز به این سازمان نقش و جایگاه کشورهای مسلمان را در این سازمان و در عرصه ژئوپلیتیک گاز به نحو چشم‌گیری ارتقاء می‌دهد. کشورهای مسلمان عضو اوپک‌گازی می‌توانند از اهرم گاز در جهت گرفتن امتیازات اقتصادی استفاده کنند. بدین ترتیب نوعی موازنه قوی را بین کشورها و مناطق مختلف ایجاد کنند و همچنین در تعدیل روابط و کاهش رابطه سلطه‌آمیز غرب با کشورهای اسلامی نقش مؤثری داشته باشد. به عنوان نمونه اخیراً کشور الجزایر که نقش مهمی در تأمین ارزان گاز مصرفی کشورهای صنعتی و بزرگ اروپایی دارد (بهریزی فر، ۱۳۸۴، ص ۶۰-۵۹)، اعلام کرد که تداوم انتقال گاز خود را به اروپا منوط به ارائه تسهیلاتی برای ورود کارگران و شهروندان

الجزایری به کشورهای عضو اتحادیه اروپا کرده است. نمودار ۸، سهم جهان اسلام را در مجموع ذخایر گازی جهان نشان می‌دهد.



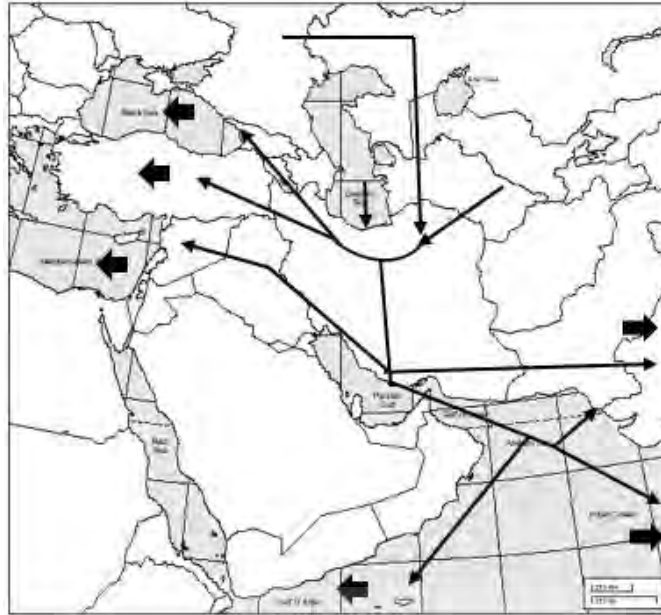
Source: British Petroleum, 2003

نمودار ۸: توزیع ذخایر گاز در جهان

۳-۴-۳- اوپک گازی عامل هم‌گرایی و جلوگیری از رقابت (در عرصه گازی) میان کشورهای اسلامی اوپک گازی، زمینه و بستر مناسبی را جهت همکاری‌های بیش‌تر در زمینه‌های مختلف استخراج، تولید، انتقال و فروش گاز طبیعی، احداث خطوط لوله بین مرزی و گسترش روابط اقتصادی میان کشورهای اسلامی فراهم می‌کند. این سازمان همچنین فرصت‌های جدید تجاری را برای کشورهای مسلمان تولیدکننده و معبر، ایجاد کرده و در توسعه اقتصادی آن‌ها نقش به‌سزایی خواهد داشت (رام، ۱۳۸۶، ص ۸). علاوه بر این از آن‌جا که اکثر کشورهای اسلامی تولیدکننده و صادرکننده گاز هستند می‌توانند در چهارچوب سازمان کشورهای صادرکننده گاز به جای رقابت با یک‌دیگر همکاری داشته باشند. به‌طور مثال، دو کشور اسلامی ایران و قطر که به تنهایی ۳۱/۴ درصد از کل ذخایر گازی دنیا را در اختیار دارند و هم‌اکنون در زمینه برداشت گاز از میدان مشترک با یک‌دیگر رقابت می‌کنند؛ قادر خواهند بود با بهره‌گیری از فرصت‌های ایجاد شده در اوپک گازی تغییر رویه داده و به جای رقابت با در نظر گرفتن منافع مشترک به همکاری و مشارکت بپردازند. تداوم این همکاری‌ها در آینده می‌تواند زمینه را برای تشکیل یک قطب اقتصادی-سیاسی منطقه‌ای با محوریت کشورهای اسلامی فراهم کند.

۳-۴-۴- استفاده از موقعیت جغرافیایی و مزیت‌های ژئوپلیتیکی کشورهای مسلمان عضو اوپک گازی در میان کشورهای اسلامی عضو اوپک گازی چند کشور از جمله: ایران، قطر، الجزایر و... به دلیل در اختیار داشتن ذخایر گازی عظیم، موقعیت جغرافیای مناسب، تولید و صادرات بیش‌تر گاز، قدرت ملی بالاتر ... دارای نقش پررنگ‌تر و تأثیرگذارتری هستند (ادیبی، ۱۳۸۶، ص ۴۳). توجه کشورهای اسلامی به این کشورها برای کسب ارکان تصمیم‌گیری سازمان همانند ریاست سازمان در تقویت جایگاه کشورهای اسلامی در بازار جهانی انرژی نقش به‌سزایی خواهد داشت. نقشه زیر موقعیت عالی ترانزیتی ایران را در زمینه صادرات و ترانزیت گاز به وسیله خطوط لوله و گاز مایع (موقعیت بری - بحری) بین کشورهای منطقه نشان می‌دهد. از سوی دیگر پراکندگی جغرافیایی مناسب اعضای مسلمان اوپک گازی از جنوب شرقی آسیا (اندونزی، مالزی، برونی) تا جنوب غربی آسیا (ایران، قطر، امارات) و شمال و غرب آفریقا (مصر، لیبی، الجزایر، نیجریه)، این قابلیت را دارد تا نیازهای انرژی کشورهای صنعتی و بزرگ جهان را در نقاط مختلف جهان از ژاپن، کره جنوبی، چین در جنوب شرقی آسیا و خاور دور گرفته تا شبه قاره و آسیای صغیر و اروپای جنوبی و غربی را تأمین نماید.

۳-۴-۵- توجه کشورهای مسلمان به محصولات استراتژیک و با قابلیت صادراتی بالا پنج کشور اول صادرکننده LNG جهان را کشورهای اسلامی تشکیل می‌دهند. تدوین استراتژی‌های مشخص برای بهره‌برداری از قابلیت‌های مختلف انرژی گاز، به‌خصوص محصولات نوین و استراتژیک آن توسط کشورهای اسلامی عضو سازمان، نقش مهمی در ارتقاء جایگاه اقتصادی آنان خواهد داشت. کشور قطر در این زمینه نمونه خوبی است. این کشور پیشرفت خود را در زمینه صادرات گاز مدیون اتخاذ تصمیمی استراتژیک مبنی بر تجاری کردن ذخایر گاز طبیعی با توسعه بخش LNG است. بر این اساس در سال ۲۰۰۶ قطر به بزرگ‌ترین صادرکننده LNG جهان تبدیل شد و اکنون از موقعیت مهمی در بازار جهانی گاز برخوردار است. در پی این تلاش‌ها هم‌اکنون اقتصاد ملی قطر بسیار توانمند و توسعه‌یافته است (یوسفی لیمایی، ۱۳۸۴، صص ۱۱-۱۲).



نقشه ۳: موقعیت ترانزیتی مناسب جمهوری اسلامی ایران در منطقه برای انتقال گاز

۳-۴-۶- ارتقاء وزن ژئوپلیتیک کشورهای مسلمان عضو سازمان اوپک گازی

موضع‌گیری‌های کشورهای غربی نشان می‌دهد که در صورت استفاده مناسب کشورهای اسلامی از این ظرفیت، وزن ژئوپلیتیک و در نتیجه قدرت چانه‌زنی آن‌ها در برابر غرب بالا خواهد رفت. چنان‌که ایالات متحده آمریکا که از مصرف‌کنندگان عمده گاز است تشکیل این سازمان را در ارتقاء وزن ژئوپلیتیک رقیبان و دشمنان خود (روسیه، ایران، ونزوئلا و...) مؤثر می‌داند و با آن به مخالفت می‌پردازد. در واقع حضور ایران، ونزوئلا، بولیوی به عنوان مخالفان سیاست‌های توسعه‌طلبانه آمریکا در جهان و روسیه به عنوان کشوری که خواهان افزایش قدرت خود در جهان است، می‌تواند جریان ضد آمریکایی را تقویت کند. به خصوص با توجه به این‌که ایران و روسیه بیش‌ترین ذخایر ثابت شده گاز جهان را دارا هستند، طبعاً نقش محوری را نسبت به سایر اعضا برعهده خواهند. از این‌رو کارشناسان معتقدند ایجاد سازمان کشورهای صادرکننده گاز که قویاً مورد حمایت ایران و روسیه است، سبب تغییر نقش ژئوپلیتیک و استراتژیک جهان خواهد شد و نقش آمریکا را در اقتصاد جهانی کم‌رنگ خواهد کرد.

۳-۴-۷- آسیب‌پذیری صنایع دفاعی و استراتژیک غرب به دلیل وابستگی به مشتقات گاز
 مشتقات گاز طبیعی از کاربرد وسیعی در تولید محصولات دفاعی برخوردار است و عدم صدور آن باعث
 متزلزل شدن پایه‌های صنایع دفاعی غرب و آمریکا خواهد بود و این امر اهمیت منابع گازی کشورهای
 مسلمان را بیش‌تر نمایان می‌سازد (شعب، ۱۳۸۷، ص ۳)



مدل شماره ۲: جایگاه اوپک گازی در افزایش نقش و وزن ژئوپلیتیکی اعضای مسلمان

نتیجه‌گیری

ژئوپلیتیک انرژی به مطالعه نقش و اثر انرژی و جنبه‌ها و ابعاد مختلف آن بر سیاست و قدرت و مناسبات گوناگون ملت‌ها و دولت‌ها می‌پردازد. امروزه انرژی در سیاست‌های ملی و بین‌المللی نقش تعیین‌کننده‌ای پیدا نموده و الگوهایی از رقابت، همکاری، کشمکش، تجاوز، تعامل، هم‌گرایی و واگرایی را در عرصه بین‌الملل و در روابط بین کشورها و دولت‌ها به وجود آورده است.

گاز طبیعی یکی از حامل‌های اصلی انرژی است که روند استفاده و مصرف آن در زمان کنونی و به‌خصوص در چشم‌انداز آینده سیر صعودی را نشان می‌دهد. آلاینده‌گی بسیار کم گاز نسبت به سایر حامل‌های انرژی، قیمت پایین‌تر آن نسبت به نفت، وجود ذخایر عظیم گازی برای تأمین نیاز مصرف‌کنندگان در دهه‌های آتی و روند روبه کاهش ذخایر نفت در بسیاری از مناطق جهان از دلایل اصلی توجه به گاز طبیعی در سبد انرژی کشورها است. برآوردهای آژانس بین‌المللی انرژی نشان می‌دهد در چند دهه آینده میزان مصرف گاز طبیعی در سبد انرژی جهان رشد چشم‌گیری خواهد داشت. به‌طوری‌که تقاضای گاز طبیعی جهان تا سال ۲۰۳۰ به‌طور متوسط سالانه ۲/۳ درصد رشد خواهد داشت و به‌طور متوسط باید در این ۳ دهه تولید گاز طبیعی جهان سالانه ۲۶۰ میلیارد متر مکعب افزایش یابد. این افزایش مصرف عمدتاً ناشی از نیازهای کشورهای صنعتی و بزرگ جهان در آمریکای شمالی، اروپا، جنوب شرق آسیا و شرق دور است. به عبارت دقیق‌تر، کشورهای صنعتی و قدرتمند جهان همچون ایالات متحده آمریکا، فرانسه، آلمان، ایتالیا، چین، ژاپن، کره جنوبی و... نیازمندان و مصرف‌کنندگان اصلی گاز هستند.

در جناح مقابل این صحنه ژئوپلیتیک، کشورهای دارنده ذخایر عمده گاز قرار دارند که در سال ۲۰۰۸، سازمان کشورهای صادرکننده گاز یا «اوپک گازی» را تأسیس کردند. مجموع کشورهای عضو اوپک گازی در مجموع ۶۵ درصد ذخایر گازی جهان را در اختیار دارند و این سهم عظیم، به‌خوبی نقش بسیار مهم این سازمان نوپا را در معادلات جهانی قدرت نشان می‌دهد. البته اوپک گازی در راه رسیدن به یک سازمان منسجم و کارآمد با چالش‌های متعددی روبه‌رو است که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به ساختار نامتوازن قدرت در بین اعضا (کولایی، ۱۳۸۵، ص ۴۶-۴۷)، محدودیت‌های ناشی از ماهیت فنی و تکنولوژی صادرات گاز (تکین، ۱۳۸۶، صص ۹۱-۹۲)، وجود رقابت در برداشت از میدین مشترک و بازارهای مصرف و مخالفت شدید اروپا، آمریکا با تشکیل این سازمان اشاره کرد (راعی، ۱۳۸۶، ص ۹۱). در مقابل تشکیل اوپک گازی فرصت‌های ژئوپلیتیکی متعددی را برای اعضای آن فراهم کرده است؛ به‌ویژه برای کشورهای مسلمان عضو که ضمن در اختیار داشتن اکثریت اعضا، دارای ذخایر ۶۵ درصدی گاز در اوپک گازی نیز هستند و می‌توانند از این فرصت‌های ژئوپلیتیکی در جهت گرفتن امتیازات

اقتصادی و سیاسی و ارتقاء جایگاه ژئوپلیتیکی خود در نظام قدرت جهانی استفاده کنند. برخی از این فرصت‌ها عبارتند از: افزایش قدرت مانور و چانه‌زنی کشورهای مسلمان در نظام ژئوپلیتیک جهانی، افزایش درآمد ارزی و توسعه اقتصادی کشورهای اسلامی عضو، استفاده از ذخایر عظیم گازی کشورهای مسلمان به عنوان یک حربه ژئوپلیتیکی، تقویت هم‌گرایی کشورهای اسلامی، تحت تأثیر قرار دادن صنایع دفاعی و استراتژیک غرب به دلیل وابستگی به مشتقات گاز و... که در مجموع این موارد باعث ارتقاء وزن ژئوپلیتیکی کشورهای مسلمان عضو و تغییر ساختار ژئوپلیتیکی جهان خواهد شد.

سرانجام می‌توان چنین گفت: ژئوپلیتیک گاز صحنه رقابتی است که در آن دو بازیگر اصلی با اهداف متضاد حضوری فعال دارند؛ تولیدکنندگان و صادرکنندگان گاز در یک سو و مصرف‌کنندگان این منبع ارزشمند انرژی در سوی دیگر. طبیعی است، بازیگرانی در این عرصه رقابت به هدف خود خواهند رسید که بتوانند با طراحی استراتژی‌های بدیع و به موقع صحنه بازی را به نفع خود تغییر دهند. به نظر می‌رسد کشورهای صادرکننده دارای ذخایر غنی گاز، در اقدامی هوشمندانه با ایجاد سازمان کشورهای صادرکننده گاز، نخستین حرکت را در صحنه شطرنج ژئوپلیتیک گاز به خوبی انجام داده‌اند، حال باید دید تا چه حد کشورهای عضو این سازمان به خصوص کشورهای اسلامی می‌توانند از این فرصت قدرت‌ساز به صورت کامل استفاده کنند.

منابع

ادیبی، س. (۱۳۸۶). بررسی وضعیت طرح‌های LNG در ایران. نشریه انجمن اقتصاد انرژی ایران. ۹۹. پای، ن. (۱۳۸۷) چشم‌انداز اوپک گازی سایت اینترنتی مردم‌سالاری، بازیابی شده از: <http://mardomsalari.com/template1/News.aspx?NID=27353> (دسترسی ۱۳۹۲، ۱۰

مرداد).

بهشتی دهکردی، ع. (۱۳۸۵). چشم‌انداز جهانی نفت و انرژی. تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی. بهروزی فر، ع. ادیبی، س. احمدخانی، ع. (۱۳۸۴). مجموعه‌ی گزارش‌های کشوری انرژی. الجزایر. تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی.

بزرگمهری، م. (۱۳۸۳). نظام منطقه‌ای در تعامل جبری و اختیاری آن با دیگر سطوح تحلیل مطالعات روابط بین‌الملل. اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ۲۰۷ و ۲۰۸.

تکین، م. (۱۳۸۶). اوپک گازی. فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی. ۱۳.

- حافظ‌نیا، م. (۱۳۸۵). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک. انتشارات پاپلی وابسته به پژوهشکده امیرکبیر.
- شعیب، ب. (۱۳۸۷). اوپک گازی؛ سازمانی برای قدرت نمایی. سایت عصراینترنتی نور. بازیابی شده از: <http://www.asnoor.com/Public/Articles/ViewArticles.aspx?Code=167686>
- (دسترسی ۱۳۹۲، ۲۰ مرداد).
- رام، م. (۱۳۸۶). بررسی موانع موجود دریافتن بازارهای مناسب برای صادرات گاز. فصلنامه بررسی‌های اقتصاد انرژی. مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی. ۸.
- راعی دلغی، م. (۱۳۸۶). روسیه و اتحادیه اروپا، استراتژی‌های متقابل انرژی. فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز. ۱۶ (۳).
- زارعی، ب. (۱۳۸۵). نگرشی بر سیاست خارجی ایران در مناطق ژئوپلیتیکی خزر و آسیای جنوبی. انتشارات بهمن برنا.
- زرقانی، س. (۱۳۹۰). جایگاه جهان اسلام در اوپک گازی. مجموعه مقالات چهارمین کنگره جغرافی دانان جهان اسلام.
- طاهرزاده، ع. (۱۳۸۴). مجموعه گزارش کشوری انرژی چین. تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی.
- کولایی، ا. (۱۳۸۵). دگرگونی ژئوپلیتیکی و تحول در مأموریت، ساختار و کارکرد نهادهای بین‌المللی. نمونه موردی: ناتو. فصلنامه ژئوپلیتیک. ۲ (۳ و ۴).
- مزرعتی، م. (۱۳۸۶). امنیت انرژی دو روی یک سکه: امنیت عرضه و امنیت تقاضای انرژی. فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی. ۱۳.
- مستقیمی، م. قوام ملکی، ح. (۱۳۸۷). امکان‌سنجی شکل‌گیری سامانه منطقه‌ای در اکو. مطالعات اوراسیای مرکزی. ۱ (۲).
- وزارت انرژی ایالات متحده (۱۳۸۲). طرح راهبردی گاز طبیعی (ترجمه ه. شعبان‌زاده). انتشارات ذره با همکاری سازمان بهینه‌سازی مصرف سوخت کشور.
- یادگاری، ح. (۱۹۸۴). مجموعه گزارش کشوری انرژی آمریکا. تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی.
- یوسفی لیمایی، ف. (۱۳۸۴). مجموعه گزارش کشوری انرژی قطر. تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی.

Cowie, A. P. (1989). *Oxford advanced learner's dictionary*, UK: Oxford University.

Dwivedi, R. L. (1990). *Fundamentals of political geography*. Allahabad: Chaitanya Publishing House.

- British Petroleum (2013). BP Statistical Review of World Energy 2013. Available at: http://www.bp.com/content/dam/bp/pdf/statisticalreview/statistical_review_of_world_energy_2013.pdf. (accessed on 2014, January 20).
- British Petroleum (2009). BP Statistical Review of World Energy 2009. Available at: <http://www.usaee.org/usaee2009/submissions/presentations/Finley.pdf>. (accessed on 2013, November 20).
- Energy Information Administration (2013). Natural gas consumption: Total world Reference Case. Available at: http://www.eia.gov/oiaf/aeo/tablebrowser/aeo_query_server/?event=ehChart.getChart/study=IEO2013/region=0-0/row=28-6-IEO2013/cases=Reference-d041117. (accessed on 2014, January 25).
- Energy Geo Politics, (2008). The strategic energy ellipse. Available at: <http://energeopolitics.com/2008/08/19/the-strategic-energy-ellipse-map/>. (accessed on 2013, December 18).

